

هیجان انگیز

جایزه مهتاب برای سیزدهمین بار اهدا شد

الگوی احترام و اعتماد و عشق



در آخرین روز هفته گذشته سیزدهمین دوره جایزه مهتاب میرزایی برگزار شد. مراسمی با عنوان جایزه مهتاب که مدیرمسئول نشریه «نگاه نو» بعد از درگذشت دخترش مهتاب میرزایی- مترجمی که در تیرماه ۱۳۸۵ در ۲۵ سالگی درگذشت- برای یادبود او در سال ۱۳۸۶ پایه گذاری کرده و امسال برای سیزدهمین بار به بهترین مترجم و نویسنده نگاه نو اهدا شد. جوایزی که گفته می شود از این نظر که برای نخستین بار در این آب و خاک، در این روزگار فترت رسانه های کاغذی نشان می دهد که یک نشریه چه احترام عظیمی برای خوانندگانش قابل است و چگونه از این احترام در جهت ارتقای نشریه و نویسندگان و مترجمانش سود می برد، می تواند الگویی زنده و عینی باشد.

این جایزه که برندگانش همه ساله از طرف خوانندگان فصلنامه نگاه نو انتخاب می شود، در سیزدهمین دوره اش به بزرگانی چون بابزید مردوخ و حسن کریم زاده تقدیم شد. در این مراسم که با حضور نام های چون عزت الله فولادوند، گلی امامی، مه زده دقتیسی، احمد زیدآبادی، فرخنده حاجی زاده، رضا رضایی، حسین معصومی همدانی، هرمز همایون پور، سیاوش شهشهانی، نصرالله کسرییان، آبتین گلکار، نرگس انتخابی و خیلی های دیگر برگزار شد، بابزید مردوخ نویسنده بهترین مقاله در سال ۹۷ لقب گرفت. محمد غفاری نیز توانست جایزه بهترین مترجم سال ۹۷ را به دست آورد. جایزه مهتاب البته رشته های دیگری نیز دارد. مثل «جوان ترین همکار نگاه نو در سال ۹۷» که امسال این عنوان به تارا الله وردی آشتیانی رسید. در بخش «نویسنده بهترین نقد کتاب در سال ۹۷» هم آرمان نهجیری برنده شد و البته حسن کریم زاده، طراح و گرافیکست و کارتونیکست صاحب نام هم به پاس بیست سال همکاری منظم با نشریه نگاه نو مورد تقدیر و تجلیل قرار گرفت.

خبر

اتفاق باور نکردنی و نادر در استقلال!

هر چند سازمان گینس هیچگاه برای ثبت آماری از این دست ورود نخواهد کرد، اما به نظر می رسد لیست خروجی استقلال در دوسال گذشته می تواند مدعی ثبت پر تغییر ترین لیست یک تیم فوتبال طرف یک سال باشد و شرایط در رختکن استقلال به شکلی است که نزدیک به ۲۶ بازیکن بزرگسال و البته چندین بازیکن جوان در فهرست این تیم تغییر کرده اند. به این لیست می توان تغییر اجباری پادوانی را نیز اضافه کرد که دست کمی از تغییرات پر شمار این تیم نداشت و به دلیل مصدومیت رخ داد.



در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.

بالاخره بخت با عیاری یار می شود؟



کیانوش عیاری نزدیک به دو دهه است که در گیر اخبار هنری ناخوشایند است. هر فیلمی که ساخته توقیف شده و بعد از مدت ها دل به ساخت سریال تلویزیونی به نام «۸۷ متر» بسته بود که دو ماه پیش به دلیل مشکلات مالی متوقف شد. دیروز اما خبر خوشی مبنی بر از سرگیری سریال ۸۷ متر منتشر شد. «۸۷ متر» یک سریال طنز است که از امروز بعد از دو ماه وقفه با حضور همه بازیگران اصلی اش کار خود را از سر می گیرد. به گفته کیانوش عیاری قرار است گروه در لوکیشن منطقه ۱۵ خرداد تهران مستقر شوند و پلان های باقی مانده از سکانس های قبلی را تصویربرداری کنند، تصویربرداری در این لوکیشن تا یک هفته ادامه خواهد داشت. سریال «۸۷ متر» به تهیه کنندگی و کارگردانی کیانوش عیاری کاری از گروه فیلم و سریال شبکه یک سیماست که هم اکنون حدود ۷۰ درصد از آن تصویربرداری شده است.

علیرضا نادی در گفت وگو با «شهروند» از دلایل ناکامی والیبالیست های ایرانی در شیکاگو می گوید

کولاکوویچ بازی کنار زمین را بلد نیست!

چرا برای غفور و معروف جانشین نداریم؟!



محتشمیان علیه کولاکوویچ؛ مر دم علیه محتشمیان!

جواد محتشمیان، گزارشگر شبکه سه که در سال های اخیر منتقد همیشگی کولاکوویچ بوده، در لیگ ملت های امسال با توجه به نتایج خوب ایران نتوانسته بود خیلی به مربی مونته نگرویی انتقاد وارد کند. این فرصت در ست پنجم بازی با برزیل برای محتشمیان به دست آمد و او توپخانه اش را به سوی سرمربی تیم ملی گشود و انتقادهای تندى را روی آنتن زنده علیه کولاکوویچ مطرح کرد. بعد از این که این گزارشگر کولاکوویچ را بیشتر تماشاگر مسابقه دانست، در فضای مجازی کاربران حسابی به او حمله کردند و اکثرا معتقد بودند انتقادات او از روی غرض ورزی است.

مسابقات را شروع کردیم و با همین ۱۴ نفر هم رقابت ها را به پایان رساندیم. البته اکثر فشار روی ۷،۶ بازیکن بود و از نفرت ذخیره هم زیاد استفاده نشد. وقتی در ابتدای لیگ ملت ها از هر تیم لیست ۲۵ نفره می خواهند یعنی مربیان می توانند از همه آن ۲۵ نفر استفاده کنند. این اتفاق در تیم های رقیب

باید در دستور کار داشته باشیم و یک تیم قدرتمند پشت تیم اصلی مان باشد.

خستگی در چهره غفور و معروف موج می زد
خستگی به صورت واضح در صورت و بدن بازیکنان اصلی ایران نظیر معروف و غفور موج می زد. ما با همین ۱۴ بازیکن

بازگشت به بحث شیرین دستمزدهای نجومی: این بازیگران چقدر می ارزند

چرا سینمای ریالی، دستمزددلاری می دهد؟

یک کارگزار طلب می کند این انصاف است؟
برخی نیز در پاسخ به دستمزدهای ستاره های جهانی اشاره می کنند و با قیاس در یافتی آنها با ستاره های وطنی تازه طلبکار هم می شوند که در قیاس با آنها بازیگران ما زیاد که نمی گیرند هیچ، بلکه کم هم می گیرند.

حق با کیست؟

هر دو طرف حق دارند. بلکه، کارگر حق دارد که می گوید چرا او باید در ۷۵ سال کار مدام درآمد یک فیلم یک بازیگر

را دریافت کند؟

اما آن وری ها هم حق دارند. هر شخص با هر شغلی، نه در قیاس با اشخاص یا مشاغل دیگر که طبق ارزش، اهمیت و تاثیرگذاری ذاتی آن شغل دستمزد می گیرد و در این بین هر چه گستره نفوذ و تاثیر آن شغل و فرد بیشتر باشد، طبیعتا درآمد او نیز بیشتر خواهد شد. اشاره این گروه به

فوتبالیست هاست که درآمدهایشان حتی در قیاس با بازیگران هم نجومی است. طبق نظر این گروه در مقیاس داخلی خودمان بازیگران مانیز چنین نفوذی دارند، پس چرا نباید آنها هم اندازه ستاره های جهانی حقوق بگیرند؟

درآمد آنها چقدر است؟

همین دیروز فهرست صد ستاره پردرآمد سال منتشر شد. فهرستی که نفر اولش ۱۸۵ میلیون دلار درآمد داشته طبق این فهرست تیلور سوئیفت با ۱۸۵ میلیون دلار برای دومین بار در صدر فهرست سالانه صد ستاره پردرآمد دنیا قرار گرفت. رتبه دوم را کایلی جنر ۲۱ ساله با ۱۷۰ میلیون دلار درآمد به خود اختصاص داده و بقیه نیز چنین درآمدهای رویایی داشته اند. مثلاً بوموسی ۱۲۷ میلیون دلار، بیاتسه ۸۱ میلیون دلار، کیتی پری ۵۷،۵ میلیون دلار، آریانا گرانده ۴۸ میلیون دلار و سلین دیون ۳۷،۵ میلیون دلار درآمد داشته اند.

درآمدهای که حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰ برابر درآمدهای هنر پیشگان میلیاردی ما هستند، یعنی مثلاً پاد دلار ۱۳ هزار تومانی، درآمد دارمد



۱۸۵ میلیون دلاری تیلور سوئیفت می شود چیزی حدود ۲ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان. رقمی با ۱۲ صفر. رویایی است، نه؟!

چقدر می ارزند؟

در دنیای هنر یکی از مهمترین عواملی که دستمزد عوامل را تعیین می کند، نقش آنها در بازگشت سرمایه است. در واقع زمانی تهیه کننده با فلان قدر دستمزد برای یک بازیگر موافقت می کند که مطمئن باشد وجود و حضور آن ستاره چند برابر آن فلان مبلغ را باز خواهد کرد. یک معادله ساده که متاسفانه در سینمای ما نادیده گرفته شده. در انتهای سال ۱۸ ۲۰ مجله اقتصادی فوربس اعلام کرد که دانیل کریگ با دستمزد ۲۵ میلیون دلاری گران ترین بازیگر هالیوود است. راک ۲۲ میلیون دلار، وین دیزل با ۲۰ و آن هاتاوی با ۱۵ میلیون دلار هم در رده های بعدی ایستاده اند. حالا برویم به دانیل کریگ. در سال های اخیر از بین سه فیلمی که از او ارکان شده، اسپکتر حدود ۹۰۰ میلیون دلار فروخته. جنگ های ستاره ای ۲ میلیارد دلار و لوگان خوش شانس هم ۵۰۰ میلیون دلار. یعنی کمپانی تهیه کننده در ازای پرداخت ۷۵ میلیون دلار به کریگ ۳ میلیارد دلار عایدی داشته.

حرف آخر

در شرایطی که پر فروش ترین فیلم سینمای ما، هزار یا ۴۰۰ میلیارد تومان فروش، در واقع تنها ۳ میلیون دلار فروخته، بازیگران ما چگونه و با چه منطقی دستمزدهای خود را با دستمزدهای ستارگان دنیای سینما قیاس می کنند؟ یا از زاویه دیگری اگر بنگریم، در تاریخ سینمای ما تنها ۱۲ فیلم بیش از یک میلیون دلار (با قیمت فعلی) فروخته اند. این خود نشان نمی دهد که هر گونه قیاسی بین سینمای ما و آنها غیر منطقی و ساده انگارانه است؟ این داستان البته دیگری هم دارد که از این نظر هم به سود بازیگران ما نیست. گذشته از آمار و ارقام بین المللی سینما، با در نظر گرفتن همین سینمای نیم بند خودمان نیز پرداخت دستمزدهای یک میلیاردی و بیشتر نامعقول جلوه می کند. در حالی که در سال تنها چند فیلم از ۵۰۰ میلیارد تومان بیشتر می فروشند (که یعنی ۲ میلیارد دست تهیه کننده شان رامی گیرد)، آیا این منطقی است که در سینمای ایران چندین و چند هنر پیشه میلیاردی یا نزدیک به میلیاردی وجود دارد؟ آیا سینمایی که در کل ۲۰۰ میلیارد گردش مالی دارد (برای نزدیک به صد فیلم) آنچنان بنیه ای دارد که از پس دستمزدهای میلیاردی برآید؟ و البته سوال آخر: آیا بازیگرانی که از نظر اقتصادی و مالی، همه شان جز عطاران و گلزار، تعداد فیلم های شکست خورده شان بیشتر از فیلم های موفق شان است، ارزش دریافت دستمزدهای میلیاردی را دارند؟